



نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 68
سری سوم، شماره 68
97 آذر ماه، November 2018

سردبیر: مینو همتی
Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com
مدیرمسئول: شراره رضایی
Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



مطالب
گزارشی از برگزاری روز جهانی منع خشونت علیه زنان در شهر اشتوتگارت/ آلمان
تئاتر: "پیکو نه"
نویسنده: مریم رضایی گیوی
کارگردان: مهران رضایی گیوی
گفتگو سحر صامت با وحیده فیضی خبرنگار، فعال حقوق زنان در افغانستان
مصاحبه دانشجویان برابری دانشگاه استانبول در ترکیه با شراره رضایی درخصوص مبارزات زنان در ایران

چگونه جنسیت کودک برایمان بی اهمیت شد؟
فربیا مرادی
معرفی کتاب: یک زن مبارز در ایران، خاطرات زندان
نویسنده: نسرين پرواز
نمونه حمایت معلمان و زنان از مبارزات کارگران هفت تپه
مینو همتی
"ایران در آینه زمان" چرا هفت تپه بقول خود متفکرین نظام به یک "ماجرای ملی" تبدیل شده است!
مصاحبه سازمان رهایی زن با ثریا شهابی
نگاه غرب به همجنس گرایی
اصغر کامروا
علل و انگیزه های خشونت علیه زنان در ایران
به مناسبت 25 نوامبر (روز جهانی منع خشونت علیه زنان)
مریم مرادی
گزارش کوتاهی از برگزاری سمینار با موضوع "تجاوز هیس" به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان در ایران
ندای زنان ایران
"هفت هزار تپه" اثر هنرمند افغان شکیب مصدق
تقدیم به کارگران هفت تپه
تحریمها و تاثیر مخرب آن بر معیشت اکثریت مردم ایران
مینو همتی

سیاست های ماهنامه رهایی زن
صفحه خبری
آفیش کارگر زندانی آزاد باید گردد از نشریه گام
کارگران زندانی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان فعال مدنی، سرریعا آزاد باید گردند
راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف
معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، نشریه ها و تلگرام

25 NOVEMBER
Rahai Zan
INTERNATIONAL DAY FOR THE ELIMINATION OF VIOLENCE AGAINST WOMEN
روز جهانی منع خشونت علیه زنان
INTERNATIONALER TAG GEGEN GEWALT AN FRAUEN
اليوم الدولی لمناهضة العنف ضد المرأة

STOPP DIE GEWALT
STOP VIOLENCE
خشونت ممنوع
أوقف العنف
Rahai Zan

به نشریه رهایی زن بپیوندید
لطفا برای ارسال مقاله سیاست های نشریه مندرج در صفحه ی آخر را مطالعه بفرمایید.
برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

گزارشی از برگزاری روز جهانی منع خشونت علیه زنان با اجرای تئاتر "بگو نه!" در شهر اشتوتگارت آلمان

بیست و پنجم نوامبر روز جهانی مبارزه علیه خشونت به زنان است. در این روز فعالین حقوق زنان در شهرهای مختلف جهان انزجار خود نسبت به خشونت علیه زنان را که در خانه و سطح جامعه، در مدارس و محیط کار اعمال میشود ابراز میدارند. البته در کشورهای اسلامزده مانند ایران، خشونت علیه زنان از حمایت نهران و آشکار قوانین شریعت اسلام نیز برخوردار است. مبارزه علیه خشونت و آزارهای جنسی علیه زنان امری جداناپذیر از مبارزه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب میباشد. در این قسمت از برنامه توجه تان را به یک گزارش ویدیویی از یک تئاتر خیابان با عنوان "بگو نه" در شهر اشتوتگارت آلمان در رابطه با منع خشونت به زنان جلب میکنم. قابل ذکر است که نمایشنامه این تئاتر توسط مریم رضائی گیوی نگاشته شده و مهران رضائی گیوی کارگردانی آنرا بعهده داشته است. در همینجا از مریم و مهران عزیز برای ارائه نمایش و ارسال ویدیو این کار زیبا سپاسگزارم.



این تئاتر را می توانید در لینک های زیر مشاهده کنید:

<https://youtu.be/9mA YJH5ymoc>

<https://rahaizantv.blogspot.com/2018/11/say-no-street-theater-about-violence.html>



گفتگو سحر صامت با وحیده فیضی خبرنگار، فعال حقوق زنان در افغانستان



کرده و خطوط مبارزه با این پدیده را تشکیل دادند و برای نابرابری های جنسیتی چه در اجتماع و چه در خانه جنگیدند. در طول این سالها ما شاهد رخداد های وحشتناکی برای زنان بودیم هر سال آمار خشونت ها از ۳ هزار و یا هم بعضی از سالها بیش از ۴ هزار کیس تجاوز می کند. بیشترین این پرونده ها مربوط به خشونت های خانوادگی می شود. از ازدواج کودکان خردسال گرفته تا بارداری های اجباری و نقض عضو بدن و شکنجه ی دختران زنان تا به آتش کشیده شدن و کشته شدن بعضی از آنها توسط مردان خانواده و یا زنان زن ستیز که یکی از عوامل دیگر و مهم در خشونت علیه زنان اند. من نیز به عنوان یک دختر آگاه مبارزاتم را با حرفه ام آغاز کردم و صدای زنان قربانی را بازتاب دادم. آزار و اذیت در محیط کار توسط تعدادی از همکاران جنس مخالف یکی از بدترین نوع از انواع خشونت های اجتماعی به خصوص در مقابل دختران و زنان فعال و خبرنگار است. در ابتدا زنان و دخترانی که در این راه قدم نهادند از سوی مردم در جامعه و یک تعداد نیز از سوی خانواده هایشان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند فرهنگ جنگ به بسیاری از مردان حس برتری داده و اذهان آنان را در مقابل زنان و توانایی هایشان منحرف کرده بود. تعدادی از آنها در این راه جان خود را از دست دادند، پس از نشر گزارش هایشان از سوی قدرتمندان و تفنگ داران تهدید شدند، یا تهدید از سوی بعضی از خانواده های زنان قربانی خشونت ها و یا عاملان این خشونت هستند. اکنون پس از ۱۸ سال مبارزه ی زنان حرفه ی خبرنگاری در کلان شهرهایی مانند کابل، بلخ و هرات بیشتر شده اند. نظر به سالهای قبل مسلک خبرنگاری برای زنان میان مردم جا افتاده است اما در شهرهای دیگری چون ننگرهار و قندهار زنانی که به حیث فعال رسانه یی ایفای وظیفه می کنند که با محدودیت های زیادی روبرو هستند و اکثرا جانشان در خطر است اما با این وصف باز هم تعدادی از دختران و زنان در طول این سالها آگاه شده و حتی سنتی مناطق هم برای مطالبه از حقوق انسانی خود می جنگند و حضور خود را از صحنه ی روزگار حذف نمی کنند.

ادامه در صفحه ی 12

افغانستان در طول سالهای کاری اش شناخته شده است.

سحر صامت: خانم فیضی شما در طول این سالها که به کار خبرنگاری به خصوص پوشش مشکلات زنان و خشونت های که با آن روبرو شدند اشکال و عوامل این پدیده را چگونه ارزیابی می کنید؟

وحیده فیضی: خشونت علیه زنان اشکال و عوامل فراوانی دارد. اما بیشتر مشکلات زنان به صورت عموم ناشی از مشکلات سیاسی بوده است. در طول این سالها گزارش هایی را در دست گرفتم و کار کردم که من را با تمام وجود متاثر کرد. بیسوادی و عدم آگاهی دقیق از حقوق انسانی در میان بسیاری از زنان در افغانستان که خود زمینه ی خشونت ها را ایجاد می کند یکی از حاصلات جنگ های داخلی و بین المللی در افغانستان است که زنان در طول چند دهه جنگ را از پیکر جامعه حذف کرد این سیاست بود که اقتصاد مردم را در طول این سالها نابود کرد و ایجاد خط فقر اقتصادی توسط جنگ، فرهنگ های غلط و افکار نادرست را در میان مردم مروج ساخت. این جنگ بود که شکافی میان طبقات جنسیتی ایجاد کرد و آغاز نابرابری های جنسیتی چه در خانه و چه در جامعه شد. زنان اقتصاد خود را از دست دادند و تنها تبدیل به کارگران رایگان در خانه و موجودی برای زاد و ولد و تولید مثل شدند. اما زنان و دخترانی که از حقوق خود آگاه بوده و پتانسیل مبارزه در مقابل این پدیده در وجودشان نهفته بود پس از فروپاشی رژیم طالبان به سرعت در جامعه اعلام حضور

بیست و پنجم نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است. تاریخچه ی این روز به قتل وحشیانه ی خواهران میرابال که از فعالان سیاسی جمهوری دومینکن بودند مرتبط است. از سال ۱۹۸۱ بدین سو برای مبارزه برای محو این خشونت و ادای احترام به مبارزین این راه تجمع هایی برگزار می شود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد از ۱۷ ام اکتبر سال ۱۹۹۹ این روز را به عنوان روز جهانی تصویب کرد. هر ساله شاهد آمارهایی از سراسر جهان هستیم که شدت و ضعف این پدیده به قوانین، جغرافیا، سیاست اقتصاد و در نهایت آموزشی که از طریق حاکمان قدرت با نام فرهنگ مردم به جامعه داده می شود، بستگی دارد. امسال به پای گفتمان با یکی از بانوان فعال که خود برای هموار کردن راه برای دختران نسل جوانتر در جامعه ی سنتی مانند افغانستان زحماتی بسیار زیادی را متقبل شده است. گفتگویی داشتم با خانم وحیده فیضی مسوول زنان ژورنالیست کمیته ی مصونیت خبرنگاران که خود یکی از دختران سنت شکن پس از سقوط حکومت طالبان است که با هزاران مشقت اجتماعی گزارش های متعددی به خصوص در زمینه ی رویداد های مرتبط به خشونت علیه زنان را برای رسانه ها تهیه نموده است. وحیده فیضی از دسته دختران فعالی ست که تا کنون بارها مدال شجاعت را به عنوان خبرنگار از سوی نهادهای مختلف و حتی رییس جمهور افغانستان اخذ نموده است. وی در این زمینه تندیس ها و جوایز دیگری در این زمینه دریافت نموده است. وحیده به عنوان یکی از شجاعترین خبرنگار زن در

مصاحبه دانشجویان برابری دانشگاه استانبول در ترکیه با شراره رضایی
درخصوص مبارزات زنان در ایران

اسلامی در عقب زدن ارزشهای انسانی و برابری طلبانه جامعه در رابطه با برابری زن است.

نمونه اش "دختران خیابان انقلاب" هستند که به موازات خیزش دیمه علیه فقر و گرسنگی در دل جامعه سیاه سربلند کردند و هر روز تکثیر می شوند. همین چند روز پیش هم شاهد بودیم که دختری در میدان انقلاب تهران، توی یک دستش بادکنک های سفید و قرمز و در دست دیگرش شال، علیه حجاب اجباری دست به اعتراض زد.

اما زنان، فقط در عرصه امر "زن" فعال نیستند، در اعتراضات دیمه حضور زنان کارگر؛ زنان خانه دار، دستفروش و نان آوران خانه در جنبش علیه فقر و بیکاری، کل نظام بورژوازی ایران را نشانه گرفت. تصاویر زنان ایران که در دود و آتش با مشت های گره کرده بودند، در رسانه های خارجی جهانی شد. همینطور به تریبون ها و سخنرانی های عمیق زنان در مراسم ها و سمینارها، حتما توجه کردید. مبارزات زنان همانطور که گفتیم فرموله تر و کوبنده تر شده است. تمام بنیان های تبعیض از لحاظ فرهنگی و جنسی و اقتصادی را رک تر، صریحتر و بیشتر در دستور مبارزاتی خودشان گذاشتند.

سال گذشته بعد از 9 یا 10 سال روز 8 مارس، زنان به خیابان ها آمدند این حرکت را چگونه می بینید؟

به نظر من هرزمانی که زنان توازن قدرت را داشته باشند 8 مارس را برگزار می کنند چه در خیابان ها و چه در سالن ها. از دیدگاه من برگزاری آکسیون در خیابان ها همیشه دلیل بر قوی تر بودن آن نیست.

بعد از انقلاب 57 که بزرگترین 8 مارس علیه رژیم بود و شعارشان این بود که "ما انقلاب نکردیم، تا به عقب برگردیم" رژیم با اعدام ها و سرکوب شدید در دهه 60 تا 67 و با تیغ کشیدن به صورت زنان حمله کرد و عملا یک خفقان را به جامعه تحمیل کرد.

ولی بعد از انقلاب 57 اولین 8 مارس، توسط "جامعه ی حمایت از زنان" به دبیری دیبا علیخانی در شهر سنندج در یک سالنی که بیش از 400 نفر در این مراسم شرکت کرده بودند برگزار شد. بعد از آن تشکل های غیردولتی زنان از جمله کانون ما "کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان در تهران" طبق فراخوان های قبلی مثلا در پارک لاله و یا پارک دانشجو و میدان ولیعصر، میدان هفت تیر داده شد که در سال های 84 و 85 با سرکوب و دستگیری های زیادی روبرو شدند و مجددا مراسم ها به سالن ها کشیده شد.

ادامه در صفحه ی 13

MÜCADELE EDEN KADINLAR ANLATIYOR



■Dünyanın en büyük kadın hareketinin yaşadığı Arjantin'den Gabriella Capurro ve Tille Akan (Eşitlik Üyesi)

■Diktatörlüğe ve ekonomik krize karşı direnen İran'dan Sharareh Rezaei

■Tacizci öğretime karşı ayaklanan Kadriye Moroğlu Anadolu Lisesi'nden Eylül Eylem Kırhan

4 KASIM PAZAR SAAT:16.00

SPARTAKÜS KÜLTÜR VE SANAT CAFERAGA MİL NİL BEY SK. NO:58/6 KADIKÖY (BAĞIŞ MANÇO KÜLTÜR MERKEZİ AŞAĞISI)



EŞİTLİK

0536 694 0489
EŞİTLİK KADIN
EŞİTLİK
EŞİTLİK KADIN



سلام می کنم خدمات شما و بینندگان عزیز و ممنون از دعوت تون من شراره رضایی هستم فعال حقوق زنان و کودکان، فعال سیاسی و مدیر مسئول نشریه رهایی زن

مبارزه زنان در ایران چگونه است؟

پیش فرض من این است که منظور شما از مبارزه زنان مبارزه برای برابری کامل، در همه عرصه های اجتماعی اقتصادی و سیاسی، مبارزه برای رهایی زن از ستم جنسی ست. مبارزه ای که امروز به یمن قدرتگیری جنبش سوسیالیستی و آزادیخواه و برابری طلبی در ایران در جریان است. من، حضور این گرایش سوسیالیستی در مبارزات زنان را خصوصا بعد از جنبش دیمه، قوی تر می بینیم. زنان و مردان آزادی خواهی که بیش از چهل سال حکومت اسلامی، احساس خفگی می کنند، امروز در صف مقدم اعتراضات قرار گرفتند.

برعکس کسانی که، کنار رفتن چند سانتیمتری حجاب را یک پیروزی برای زنان قلمداد می کردند، و به قانون اساسی جمهوری اسلامی که سرتاپایش ضد زن است و در تمام ابعاد و رگ و ریشه ی اقتصادی، سیاسی، حتی زندگی شخصی و مناسبات اجتماعی خودش را بر زندگی مردم و خصوصا زنان تحمیل کرده، متوسل شده و دل بسته بودند.

امروز، زنان از آن عبور کردند و در خیابون روسری هاشون رو علیه حجاب درمی آوردند و در مقابل اراجیف و امر به معروف و نهی از منکران که از وابستگان و دلبستگان حکومتی هستند بی هیچ عیابی قد علم کرده و مبارزه می کنند و از فساد و

چگونه جنسیت کودک بر ایمان بی اهمیت شد؟
فریبا مرادی فعال حقوق زنان و عضو کانون دفاع از حقوق بشر در ایران



چند سال قبل برای انجام سونوگرافی به یک مرکز رادیولوژی و سونوگرافی در اهواز رفته بودم. در بین جمعیتی که در سالن انتظار نشسته بودند، خانم بارداری که به زحمت ۱۵-۱۶ سال داشت بیشتر از همه توجهم را جلب کرد و علت آن هم هیجان و شور و شوقش بود؛ تمام مدتی که در سالن نشسته بود با همراهش می‌گفت، می‌خندید و مشتاقانه منتظر بود که نوبتش برسد. نوبتش فرا رسید و حدود بیست دقیقه‌هایی در داخل اتاق سونوگرافی بود و بعد دیدم که کاملاً به هم ریخته، پریشان و گریان از اتاق خارج شد. با شناختی که از فرهنگ مردم بومی آنجا داشتم حدس زدم که احتمالاً فکر می‌کرده جنینش پسر است و یا در نوبت‌های قبلی سونوگرافی احتمال داده‌اند که پسر باشد و حالا متوجه شده که دختر است. گریان از سالن انتظار بیرون رفت، همراهش هم به دنبالش دوان دوان از سالن خارج شد و هر دو با هم رفتند.

بعد از مدتی بازگشتند، نوجوان باردار با اصرار شدید، دوباره خارج از نوبت وارد اتاق سونو شد و با التماس می‌خواست دکتر را قانع کند که یکبار دیگر سونو را تکرار کند و صدای خانم دکتر شنیده می‌شد که توضیح می‌داد لزومی برای تکرار سونوگرافی نیست و نتیجه همان است که دفعه قبل گفته است. دخترک با آشفته‌گی خارج شد و از مطب بیرون رفت. بعد از مدتی من هم برای خرید آب‌معدنی از مرکز رادیولوژی خارج شدم که دیدم همان خانم و همراهش گریان بیرون مرکز ایستاده‌اند و داشتند برای کسی پشت تلفن تعریف می‌کردند که دکتر گفته که بچه در داخل شکمش مرده و باید خارج شود. از شنیدن خبر یکه خوردم و از فکری که در

سطح تحصیلات ترجیح‌های جنسیتی ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تر شده و در افراد با تحصیلات عالی دانشگاهی میزان ترجیح فرزندان دختر و پسر به‌طور یکسان و مساوی به کمترین سطح کاهش می‌یابد.

هر چه نگرش سنتی نسبت به نقش‌های جنسیتی برجسته‌تر می‌شود، میزان تمایل به الگوی ترجیح فرزند پسر نیز افزایش می‌یابد. برای مثال؛ کسانی که با اشتغال زنان کاملاً مخالف‌اند، فرزند پسر را تقریباً سه برابر بیش از فرزند دختر ترجیح می‌دهند. هر چه این نگرش سنتی کم‌رنگ‌تر می‌شود، تفاوت و شکاف بین دو الگوی ترجیح فرزند دختر و ترجیح فرزند پسر نیز کمتر می‌شود.

من نمی‌دانم که نوجوان باردار آن روز در چه جایگاه اجتماعی و اقتصادی قرار داشت و یا میزان تحصیلاتش چه بود ولی شواهد امر کاملاً نشان می‌داد که زنی نوجوان از طبقه‌ای آسیب‌پذیر است؛ طبقه‌ای که حاضر است جان زنی را برای حفظ احتمالی جنین پسری به خطر بیندازد؛ طبقه‌ای که زنان در صورت بدنیا آوردن پسر ارج و قرب پیدا می‌کنند و در صورتی که دختر بزایند تحقیر و نکوهش می‌شوند؛ طبقه‌ای با فرهنگی مردسالار. من این فرهنگ را می‌شناسم چون من هم به قومیتی تعلق دارم که در نظر خلیه‌پایشان پسر جایگاهی بالاتر از دختر دارد و خاطراتی دارم از روزهای بدنیا آمدن کودکانی در خانواده‌های اقوام و فامیل، روزهای عزای بدنیا آمدن دختری یا جشن بدنیا آمدن پسری.

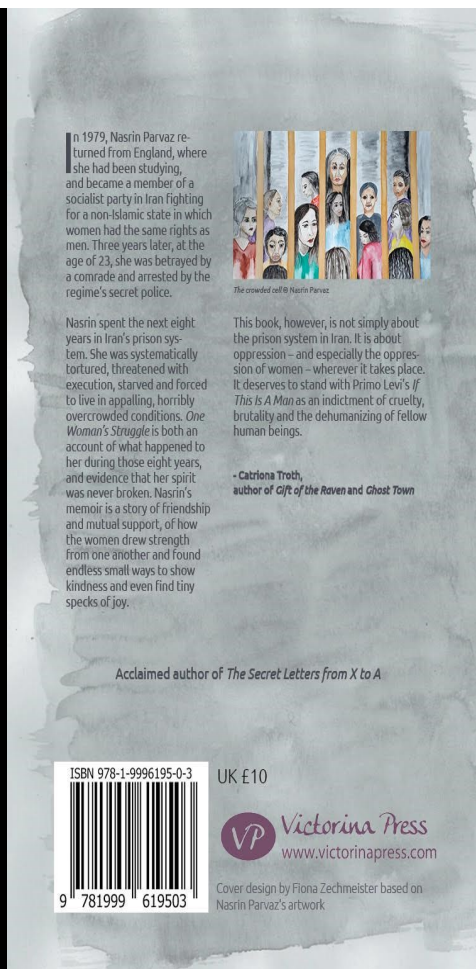
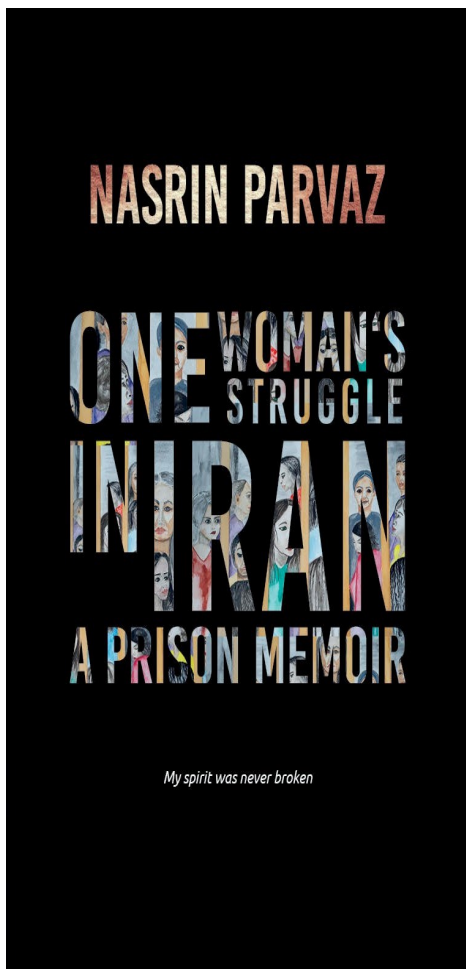
ترجیح فرزند پسر بر دختر ریشه‌ها و دلایل مختلفی دارد که قصد پرداختن به آن را ندارم؛ صرفاً می‌خواهم تجربه ام را از تغییر نگاه اقوام به دختردار شدن و پسردار شدن بازگو کنم: دختران هم نسل من علیرغم اینکه اکثریت مطلقاً ناخواسته بودیم و به دنیا آمدنمان را نه تنها به مانند پسران گرامی نداشتند که نخواستنی بودنمان تا سالها همراهمان بود. ولی ما تلاش کردیم که متفاوت از نسل مادرانمان ظاهر شویم و به راحتی مرزبندی‌های جنسیتی را نپذیریم. ما سعی کردیم بی‌اعتنا به جنسیتمان آنچه را که صرفاً حق پسران می‌دانستند کسب کنیم و همپای پسران فامیل و حتی بالاتر از آنها جایگاه تحصیلی و شغلی و اقتصادی و اجتماعی‌التری را کسب کنیم. ما نگرش سنتی به جنسیت را با قوی‌تر شدنمان به چالش کشیدیم؛ به خاندان مردسالارمان نشان دادیم که ما دختران هم می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم، تحصیلات عالی‌ه داشته باشیم، کار کنیم و مشارکت اقتصادی داشته باشیم. نتیجه عالی است! غیر از رضایت بیشتر خودمان از وضعیت کنونی، نگاه خاندان ما به جنسیت

داخل سالن به سرم زده بود، شرم‌نده شدم. بالاخره نوبت من فرا رسید و زمانی که دکتر در حال انجام سونوگرافی من بود، دیدم که باز همان مراجعه‌کننده، علیرغم مخالفت منشی اصرار داشت، وارد اتاق شود و با دکتر صحبت کند. خانم دکتر یکبار دیگر دست از کار کشید و برایش توضیح داد که جنین مرده است و کوچک‌ترین شکی نسبت به این موضوع ندارد و این خانم هر چه زودتر باید زیر نظر دکتر زنان اقدام به سقط جنین مرده کند. زن باردار گفت که دکترش در مسافرت است، خانم دکتر هم جواب داد دفعه قبل هم گفتمی و من هم برایت پیش خانم دکتر فلانی وقت گرفته‌ام، لطفاً به ایشان مراجعه کن. مدتی به این بحث‌ها گذشت تا دوباره زد زیر گریه که «آخر بچه پسر است دلم نمی‌آید سقطش کنم چند روز دیگر نگرش می‌دارم شاید زنده شد! شاید خوابیده! شاید...» خانم دکتر خواست که همراهش بیاید تا برای او اهمیت و اضطراب مسئله را توضیح دهد که باز خودش جواب داد که فرد همراه، خواهر شوهرش است و آن‌ها هم مخالف سقط جنین پسر هستند و از طرف دیگر جواب شوهرش را چه بدهد؟ و ... و باز هم گریان و نالان از اتاق خارج شد. خانم دکتر دوباره مشغول انجام سونوی من شد که به یکبار دیدم گوشی تلفن را برداشت و به منشی گفت سریع این خانمی که گریه می‌کرد را برگردان، خیالم راحت نیست مطمئنم که برای سقط جنین مرده اقدام نمی‌کند. زمانی که می‌خواستم از دکتر خداحافظی کنم، گفتم محض کنجکاوی می‌پرسم آیا کاری در این زمینه می‌توانید برایش بکنید؟ خانم دکتر که کاملاً به هم ریخته بود جواب داد: «نه تا خودش نخواهد کسی نمی‌تواند مجبورش کند ولی این‌همه اصرار و نحوه استدلال کردنش و امید عجیبش به زنده شدن جنین پسر خیلی نگرانم کرده است باید همین‌جا نگرش دارم و قانعش کنم و گرنه اگر برود دیگر رفته و انقدر این جنین مرده را نگاه می‌دارد تا جان خودش به خطر بیافتد».

خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» در روز یکشنبه ۶ آبان ماه گزارشی منتشر کرد با عنوان «هنوز هم دختر یا پسر؟!» این گزارش نتیجه یک پژوهش بر مسئله ترجیح جنسیتی در ایران بوده و در بخشی از گزارش آمده است:

روستاییان بیشتر از شهرنشینان و مردان بیشتر از زنان خواهان فرزند پسر هستند. بی‌سوادان فرزند پسر را سه برابر بیش از فرزند دختر ترجیح می‌دهند و با افزایش

هم تا حدود زیادی عوض شده است. دیگر نه تنها بخاطر تولد دخترها خانه به ماتمکده تبدیل نمی‌شود بلکه تولد هر دختر برایمان بهانه‌ای است برای یادآوری موفقیت‌های دخترانمان و آرزوی قدرت و جسارت برای دختر نوریسیده. خلاصه آنکه توانمند سازی زنان و دستیابی به برابری جنسیتی دو روی یک سکه‌اند؛ هر چه زنان توانمندتر، برابری بیشتر و هر چه تساوی بین دو جنس بیشتر، زنان مقتدرتر و موفق‌تر. برای دستیابی به برابری باید خود را قوی‌تر کنیم، این یک الزام است!./



معرفی کتاب: یک زن مبارز در ایران
خاطرات زندان

نویسنده: نسرين پرواز

در زیر لینک خرید کتاب است. برای دوستانی که در لندن زندگی می‌کنند: رونمایی کتاب روز 15 دسامبر در کتابفروشی هاوسمن - اطلاعات در زیر و ضمیمه است.

نسرين پرواز

The book launch for my prison memoir is on 15th December at 6.45 - 8.30, at Housmans bookshop, 5 Caledonian road, Kings cross, N1 9DX
It would be lovely to see you there and if you could spread the word about my book!

Best wishes,
Nasrin

<https://www.victorinapress.com/product/one-womans-struggle-in-iran-a-prison-memoir/>

نمونه حمایت معلمان و زنان از مبارزات کارگران هفت تپه
مینو همتی

چهل سال تحمل فقر و فلاکت به کارگران، معلمان، پرستاران و دیگر اقشار زحمتکش از یکسو و ثروت اندوزی مثنی مفتخور و برده دار اسلام پناه از سوی دیگر، شرایط را به نقطه پرتگاه غیر قابل بازگشت برای رژیم سازمانده استعمار و جهالت رسانده است. کارگران هفت تپه و فولاد اهواز راه برون رفت از این بحران همجاگیر را نشان داده اند. اتحاد و مبارزه برای اداره امور تولید توسط شوراهای منتخب کارگران و کوتاه کردن دست چپاولگران و دزدان حکومتی از ثروتهای جامعه هشتاد میلیون.

با پیوستن زنان، معلمان، دانشجویان، رانندگان و دیگر اقشار تحت ستم به صفوف مبارزاتی کارگران روزنه امید برای عبور از این ظلمت چهل ساله گشوده شده است. پیوند جنبشهای اجتماعی آزادخواه و برابری طلب برای دست گرفت سرنوشت خویش نوید بخش فردای بهتر است، لیکن امروز حضور جمعیت نودونه در صدی زحمتکشان در صحنه ضروریست تا این مبارزه به نتیجه نهائی برسد. در اینجا توجهتان را به سخنان یک معلم حق طلب برآمده از یک خانواده کارگری



جلب میکنم.

https://youtu.be/Zx_fee00-38

"ایران در آینه زمان"

چرا هفت تپه بقول خود متفکرین نظام به یک "ماجرای ملی" تبدیل شده است!
مصاحبه سازمان رهایی زن با **ثریا شهابی**



<https://youtu.be/F9iwUb4dfcQ>

دیدن حقایق در ایران با آینه ای شفاف و روشن، هدف برنامه های رهایی زن تحت عنوان "ایران در آینه زمان" است.

در این برنامه ها تلاش میکنیم که با کنار زدن گردوغبارها، و زنگ زدگی ها، و رنگ و لعاب هایی که دشمنان مردم برای پوشاندن حقایق بر روی آینه واقعیات می کشند، تا حقایق را در راستای منافع خودشان ببوشانند، حقایق پشت این آینه ها را در مقابل چشمان شما قرار دهیم.

در برنامه امروز " ایران در آینه زمان"، ثریا شهابی را داریم و به یکی از اصلی ترین رویدادهای تاریخ معاصر جامعه ایران، یعنی هفت تپه، می پردازیم، و آینده ایران را از این دریچه، و حقایق مربوط به آن را با این نگاه، مروری، می کنیم.

مینو همتی: ثریا شهابی، نه فقط در ایران که در اروپا و آمریکا و در سراسر جهان، خبرهای هفت تپه و بدنبال آن گروه ملی اهواز، مشتاقانه دنبال میشود! چرا هفت تپه به قول خود متفکرین نظام به یک "ماجرای ملی" تبدیل شده است؟

چرا هفت تپه بقول خود متفکرین نظام به یک "ماجرای ملی" تبدیل شده است! دورنمای موفقیت این "ماجرای ملی" چی است؟

ثریا شهابی: این "ماجرای ملی"، که یک "همبستگی ملی" را هم پشت سر خود دارد، بیش از یک ماه است که نبض اش با نبض "هفت تپه" می زند. این پتکی بر سر دشمنان مردم در ایران و دریچه و دروازه امیدی برای همه ستمدیدگان و محرومان، نه تنها در ایران، که در جهان است. درست

مسئولیت بپذیرد که با بیان مخالفت با خصوصی سازی و خواست دولتی شدن واحد تولید، میخاوهد بداند که طرف حساب اش دولت است نه این و آن صاحب کار و صاحب سرمایه فراری! و در عین حال اعلام کرده است که اگر شهر و محل کار و تولید اش، بی صاحب رها شده، آماده است به شکل شورایی خودش اداره اش کند، در راستان منافع تولید کنندگان و شهروندان، مدیریت و ادره اش کند. این است که ماجرای ملی شکل گرفت است. طبقه کارگر معترض علاوه بر اعتراض و خواست بر حق صنفی اش، گفته است که آماده است مشکل را حل کند. امنیت اجتماعی و تولید را به قدرت متشکل خودش در شوراهاپیش، تامین کند.

آنچه که امروز به ماجرای ملی تبدیل شده است، اعتراض جاری است که قریب یک دهه است جریان دارد. مطالبه حقوق پرداخت نشده، یا معوقه است. این مطالبه پاسخ نگرفت! معیشت و زندگی کارگر و خانواده اش "به امان خدا" رها شد. تا همچنان هرروز به امید این یا آن، بالا و پایین رفتن نتیجه این دیپلماسی خارجی و آن تحرک نظامی منطقه ای و وعده سرخرمن، شب را به روز و روز را به شب برسانده، و دیگر به فقر و فلاکت و نا امنی و بی حرمتی بیش از پیش خود و خانواده اش، رضایت نمی دهد. این جا است که کارگر معترضی که حقوق معوقه اش را میخواهد، با راه حل خود وارد جدال بر سر معیشت و زندگی خود و خانواده اش میشود! چندان تعیین کننده نیست که مطالبه چی است! مهم و تعیین کننده این است که چه کسی و به چه طریقی میخواهد آن را برآورده کند.

دوران راه حل کارفرما، سرمایه دار و دولت اش، تمام شد! نوبت راه حل کارگر رسیده است. این ماجرای ملی است! این اعتماد ملی است! این وحدت ملی ایجاد میکند! آنچه که اعتراض یک ماهه اخیر را به "ماجرای ملی" که نه تنها خواب مقام معظم و همه سران، اصلاح طلب و اصولگرا را آشفته کرده است، که جهانی را چشم براه پیشروی خود نگاه داشته است، پیشروی از اعتراض به تلاش برای پیش کشیدن راه حل خود، راه حل کارگری است. راه حلی که کل جامعه را پشت سر خود به حمایت کشانده است و هرروز ابعاد گسترده تری می یابد. جامعه به راه حل کارگری، خوش بین است و به آن اعتماد میکند!

جامعه ایران، پشت سر طبقه کارگر، برای دخالت در سرنوشت اش، برای پاسخ گویی به مشکلات معیشتی و زیستی اش، علیه

است، بیش از یک ماه است که نبض ایران با "هفت تپه" میطپد. حقیقتی که علیرغم سنت و منش ژورنالیسم نوکر و نان به نرخ روز خور، مهر خود را بر سراسر ایران، بر رابطه دوستان و دشمنان مردم ایران، بر رابطه دوستان و دشمنان حاکمیت در ایران، و بر فضای رسانه ای، زده است.

این روزها کیس ایران و پرونده ایران، از دریچه دیگری، نه تنها باز شده است که ورق میخورد تا به فصل نهایی برسد. این کیس امروز، نه توسط نشست های کاخ سفید و توئیترهای دونالدترامپ، نه با اظهارات مرکل و در نشست اتحادیه اروپا، و نه با اطلاعات های کرملین و ملاقات های جریانهای اسلامی، و یا با تلاش های پدیده دوجهی رضا پهلوی - فرشگرد، این حزب جوانان "نخبه" فاشیست ایرانی، نه از دریچه دعوی درون خانوادگی حاکمیت و دعوی اصلاح طلب و اصولگرا و تهدیدات مقام معظم و سپاه، که توسط محق ترین بخش شهروندان ایران، یعنی طبقه کارگر روی میز نه تنها سران کشورهای جهانی، که روی میز تصمیم مردم ایران برای انتخاب، برای راه دخالت در سرنوشت شان، برای انتخاب سناریویی که در دل آن میخواهند به حق و حقوق خود برسند و آینده شان را بدست خود بسازند، قرار گرفته است. ماجرای ملی، به میدان آمدن طبقه کارگری است که در راس آن هفت تپه و بدنبال آن فولاد اهواز، فضای اعتراضی ایران را تسخیر کرده است.

اما چرا؟ چرا این اعتراض به ماجرای ملی تبدیل شده است. به این دلیل که کارگر معترضی که طلب اش، حقوق معوقه اش، را قریب یک دهه است به زور اعتصاب و اعتراض ماه به ماه میگیرد، عمری سردوانده شده است و به این و آن پاس داده شده است، معیشت اش، محیط زیست اش، هرروز بیش از پیش در معرض خطر سوجدجویی و بی مسئولیتی قرار گرفت است، این بار که آمده است حق اش را بگیرد، با راه حل خودش هم آمده است.

فقط معترض نیست! مشکل گشا هم هست! دیگر فریب امروز به فردا و بهانه های مختلف را نمی خورد! نمی تواند منتظر وعده و وعید شود!

برای راه حل خودش، راه نشان داده است. که حقوق های معوقه پرداخت شود! دولت

حاکمیت، قطبی شده است. امروز هرکس بخواهد اعتباری به خود و سازمان اپوزیسیون اش بدهد، باید خود را دوستدار کارگر و راه حل کارگر برای حل مشکلات معیشتی اش بداند. و این شور انگیز است. طبقه کارگر نماد و نماینده همبستگی ملی شده است.

مینو همتی: اما در دورنما چی است و چه میشود؟

ثریا شهبابی: آینده در جزئیات ناروشن است، اما سمت و سوی آن، روشن است. این تحرک، این ماجرای ملی، این به میدان آمدن کارگر آگاه به منافع اش، را دیگر به هیچ طریقی نمی توان، به سادگی از میدان بدر کرد. اگر دو قدم به عقب بنشانندش، فردا ده قدم به جلو جهش خواهد کرد. بی دلیل نیست که امروز از نسیم سوسیالیسم در ایران صحبت میشود.

جامعه ای که حول اعتراضات و اعتصابات کارگری، با مطالبات روشن خود، با خودسازمانیابی و خودرهبری، در سراسر ایران متحد و متشکل و همبسته میشود، جلوه ای از دورنمای شورانگیز نیرویی را در مقابل چشم میگذارد، که همه دشمنان را به حاشیه پرت میکند! از ترامپ و ترامپیسیم، تا عربستان و احزاب قومی و فدرالیست چی های سناریو سیاهی، از سپاه و بیت امام و دفتر پرزیدنت روحانی، در مقابل قدرت طبقه فرودست و برده مزدی که آگاه است، متحد و متشکل است و همگان را به پیوستن به صف خود دعوت میکند تا برای جنگ نهایی اش آماده شود، شناسی برای ادامه حیات ندارند.

سوسیالیسم، آرمان طبقه کارگر آگاه، در ایران و در سراسر جهان است. باید به آن خیرمقدم گفت و تلاش کرد که سیر پیشروی اش را سد نکرد، موانع را از پیش پایش برداشت، توطییه ها و نقشه ها و تلاش های دشمنان اش در حاکمیت و در اپوزیسیون را خنثی کرد.

روزهای سرنوشت سازی در پیش است. باید به پیشواز ان رفت

نگاه غرب به همجنس گرایی اصغر کامروا



همجنس گرایی در امریکا:

ازدواج همجنس گرایان در برخی ایالت های آمریکا قانونی، در برخی تنها به رسمیت شناخته شده و در بعضی دیگر همچنان ممنوع است. نخستین ایالتی که ازدواج همجنس گرایان را قانونی اعلام کرد ایالت ماساچوست بود که در سال 2004 این تصمیم را گرفت. در حال حاضر ازدواج همجنس گرایان در 20 ایالت به رسمیت شناخته می شود که این ایالات عبارتند از: «کنتیکت»، «دلاور»، «ایلینوی»، «نیوجرسی»، «نیومکزیکو»، «اورگان»، «پنسیلوانیا»، «هاوایی»، «نیوهمپشایر»، «آیووا»، «ماساچوست»، «نیویورک»، «ورمونت»، «رودآیلند»، «مریلند»، «مینه سوتا»، «کالیفرنیا»، «مین» به علاوه «واشنگتن دی. سی.» و بعضی مناطق دیگر. به نوشته سی بی اس، تصویب چنین قوانینی موجب شده تا سیل همجنس گرایان

به سمت آمریکا روانه شود و صدها به اصطلاح زوج همجنس گرا درخواست اقامت در آمریکا را داشته باشند. قوانین آمریکا به سمتی پیش رفته که کم کم حقوق همجنس گرایی در بسیاری مناطق این کشور به رسمیت شناخته شده و به همین جهت آمریکا به مقصد اصلی بسیاری از همجنسگرایان بدل شده است.

همجنس گرایی در کانادا:
جان برد، وزیر امور خارجه کانادا نیز اخیراً در سخنرانی خود در شورای مناسبات خارجی در مونترال، دفاع از حقوق بشر و به ویژه حقوق اقلیت های جنسی در کشورهایی همچون ایران را از جمله اولویت های سیاست خارجی کشورش خواند. همچنین مقامات دولت فدرال کانادا، این کشور را بهشت امن همجنسگرایان ایرانی

خوانده اند؛ کسانی که در پی آزار و اذیت مقامات جمهوری اسلامی متواری و آواره شده اند. وی ضمن اشاره به این که این وزارتخانه رسیدگی به پرونده همجنسگرایان ایرانی را از سال ۲۰۰۹ به طور جدی دنبال کرده، گفته است دولت کانادا که همواره در مجامع بین المللی به دفاع از حقوق همجنسگرایان می پردازد، این امر را در صدر اولویت های سیاست خارجی خود قرار خواهد داد. آقای کنی خاطر نشان کرده است اسکان مجدد حدود هشتصد آواره از ترکیه که همه آن ها ایرانی بوده اند، از جمله تلاش های وزارت مهاجرت و شهروندی کانادا بوده است. او گفته است کانادا حدود بیش از یک سال است که به آوارگان همجنسگرای ایرانی کمک کرده است تا هزینه های اسکان مجدد در کشور جدید را بپردازند.



علل و انگیزه های خشونت علیه زنان در ایران
به مناسبت 25 نوامبر (روز جهانی منع خشونت علیه زنان)
مریم مرادی



نخست گذاری خواهیم داشت بر تاریخچه این روز بزرگ :

در سال 1961 میلادی، جمهوری دومینیکن، سه خواهر اهل این کشور (خواهران میرابل) را پس از ماه‌ها شکنجه، به جرم شرکت در فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم دیکتاتوری حاکم بر دومینیکن، به قتل رساند.

21 سال بعد از این واقعه، طی یک همایش بزرگ در شهر بوگوئا، پایتخت کشور کلمبیا، با شرکت «مدافعان حقوق زنان» در آمریکای لاتین، برای نخستین بار پیشنهاد اختصاص دادن روز قتل خواهران میرابل به «روز منع خشونت علیه زنان» مطرح شد. **مبنای پیشنهاد مذکور روی دو اصل استوار بود:**

اول؛ احترام به تلاش و جسارت خواهران میرابل.

دوم؛ میل و سوق افکار عمومی به سوی منع خشونت علیه زنان.

در ادامه چنین جنبش‌هایی، سازمان ملل متحد به سال 1999، 25 نوامبر را به عنوان «روز جهانی منع خشونت علیه زنان» نام‌گذاری کرد و این روز را به رسمیت شناخت.

یک سال بعد از به رسمیت شناختن روز منع خشونت علیه زنان، سازمان مذکور قطعنامه 1325 را با عنوان «زنان، صلح و امنیت» به تصویب رساند که از جمله ماده‌های مهم این قطعنامه را «پیش‌گیری مناقشات و خصومت‌ها در درون و در میان کشورها، تامین مشارکت زنان در حیات سیاسی و اجتماعی و ممانعت از اعمال خشونت علیه [زنان]» را تشکیل می‌داد که بی‌شبهه، قطعنامه سازمان ملل در مورد حراست از زنان و اعاده حقوق آنها، مبنایی است برای به محاکمه کشاندن و مجازات کردن کسانی که به نحوی علیه زنان ستم روا می‌دارند. از آن روز به بعد، تا اکنون روز 25 نوامبر به

معرض خطر قرار می‌دهد. خشونت؛ با ابعاد و گستردگی که دارد، تنها به یک‌نوع خلاصه نشده؛ بلکه به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود، چون: خشونت فرهنگی، خشونت معنوی، خشونت جنسی، خشونت ساختاری... تا خشونت خانوادگی که در اکثر جوامع تبدیل به یک مساله عام شده است. در این میان، هرگاه اشخاصی که تحت عمل خشونت واقع شده‌اند را مورد مطالعه و تحقیق قرار بدهیم، بیشترین قربانی‌های خشونت، زنان و در مقام دوم کودکان بوده‌اند.

جغرافیای خشونت علیه زنان در ایران آمار 66 درصدی خشونت زنان در ایران از ابتدای زندگی، بالا بودن خشونت علیه زنان در کردستان، معرفی اهواز به عنوان خشن ترین شهر در نوع خشونت‌ها، غفلت مسئولان وزارت بهداشت نسبت به خشونت، فقر ایران در موضع مددکاری و... از مهمترین محورهای کارگاه آموزشی اورژانسهای درمانی در کار با قربانیان همسرآزاری بود. یکی از مشکلات جدی در بحث خشونت علیه زنان نبود آگاهی زنان نسبت به نوع خشونت‌ها است. بسیاری از زنان در واکنش به سوال خشونت علیه آنان، معتقد بودند که هیچ خشونتی آنها را تهدید نمی‌کند برخی از آنها نیز کتک زدن همسر را حق یک مرد نسبت به زن می‌دانند.

66 درصدی زنان در طول زندگی قربانی خشونت هستند

دامنه و پیامدهای منفی خشونت تنها به شخص خشونت دیده بر نمی‌گردد بلکه همه افراد خانواده و جامعه را در بر می‌گیرد. بر اساس اعلام سازمان جهانی بهداشت کاهش خشونت خانگی از جمله اولویت‌ها است و کشورها باید برای آن برنامه داشته باشند. همچنین برنامه ریزی به معنی اختصاص بودجه، آموزش و افزایش آگاهی عمومی است.

با توجه به تعریف خشونت در ابعاد جهانی تصریح میگردد: تهدید، تمایل یا اقدام علیه خود یا دیگری، گروه یا جامعه که نتیجه اش آسیب جسمانی یا روانی برای فرد شود خشونت تلقی می‌شود. همچنین سازمان ملل هر نوع اعمال خشونت بر اساس جنسیت که منجر به آسیب جسمی و روانی زن و یا تهدید زن شود و یا آن که زن از استقلال و حقوق مادی و معنوی اش محروم شود، خشونت تلقی خواهد شد.

البته قربانی‌های خشونت تنها محدود به زن نمی‌شود بلکه آمارهای جهانی بیشتر قربانیان خشونت را زن و کودک اعلام می‌کند.

ادامه در صفحه ی 13

عنوان «روز جهانی منع خشونت علیه زنان» در بسیاری از کشورها تجلیل می‌شود.

ابعاد مفهومی خشونت

همان‌گونه که تذکر به عمل آمد، مبنا و اساس نام‌گذاری روزی به نام «روز جهانی منع خشونت علیه زنان» برآمده از عمل خشنی است تحت عنوان خشونت که جان سه خواهر را گرفت. از همین جاست که فلسفه بنیان‌گذاری این روز را پدیده خشونت تشکیل داده تا راهی باشد برای کاهش خشونت علیه قشری از جامعه بشر (زنان).

بهرتر است تا موضوع مورد بحث را با تعریفی ساده از پدیده خشونت پی بگیریم؛ در تعریف از خشونت گفته می‌شود که «خشونت عبارت است از کاربرد عمدانه نیرو یا قوت بدنی که از حیث اجبار یا تهدید یا ارعاب خود و دیگر اشخاص اعم از گروه‌ها و مجامع که می‌تواند تا نقص عضو و آسیب روانی و مرگ شخص نیز پیش برود.»

در تبیین از پدیده خشونت گاهی گفته می‌شود که: «خشونت ریشه در نظام اجتماعی دارد و اشخاص صرفا کارگزاران آن به شمار می‌آیند [به همین قسم] خشونت... با اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی صورت می‌گیرد و دارای جوانب جسمی، جنسی و روانی است.»

اندیشه مردسالارانه، تبیین زنان به عنوان جنس دوم از حیث جنسیت و توانایی‌های جسمی و فیزیکی، بالندگی مرد به عنوان تامین‌کننده اقتصاد خانواده و... همه جزو عنصر اصلی و اساسی نگرش قبیله‌ای هستند که بر مبنای آن، زنان را از متن زندگی اجتماعی و فعالیت‌های بیشتر در عرصه اجتماع، کسب و کار خارج از منزل و حتی کسب تحصیل و علم، بیرون می‌رانند و تمام زندگی آنها را با مفهوم خانه‌نشینی، از معنا و آزادی فرو می‌کاهند.

در اینجا صرف نظر از این‌که خشونت در چه شرایطی رخ می‌دهد و چرا و چگونه به وقوع می‌پیوندد، مساله این است که خشونت به دلیل خصلت ماهوی که دارد، نیرویی برخاسته از قوه غضب فرد، گروه یا جامعه است که همواره آسیب، آزار، اذیت‌های جسمانی و روانی را برای مفعول بار می‌آورد. یا حتی در مواردی به قتل، جرح و یا قطع قسمتی از اعضای انسان تحت عمل خشونت می‌انجامد و آثار خشونت، بیش از همه چیز سلامت جسم و روان انسان را در

گزارش کوتاهی از برگزاری سمینار با موضوع "تجاوز هیس" به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان در ایران
ندای زنان ایران



سمینار "تجاوز هیس" در ایران توسط ندای زنان ایران برگزار شد .

در این سمینار که به همت ندای زنان به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان اجرا شد. ابتدا خلاصه ی از تاریخچه ی این روز اشاره شد . سپس به موضوع "تجاوز" پرداخته شد و خانم اسرین درکاله در اینباره سخنرانی کرد بعد از سخنرانی درباره قربانیان تجاوز همه ی شرکت کنندگان اعلام کردند که ما در اینجا برای تمام قربانیان جنایت تجاوز و خصوصاً 41 دختر ايرانشهری یکصدا فریاد می زنیم و به احترام آنها میایستیم . دختران ايرانشهر فراموش نمی شوند.

ما صدای دختران ايرانشهری هستیم. تا محاکمه ی مسببین و متجاوزان، نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم.

در این مراسم پرسش و پاسخی توسط شرکت کنندگان انجام شد و در خصوص انواع خشونت ها علیه زنان صحبت شد.

خانم محبوبه فرحزادی، معلم بازنشسته درمورد تبعیض جنسیتی و نابرابری حقوق و دستمزدها و قطع عایله مندی در فیش حقوقی زنان صحبت کرد. ایشان خواستار آزادی معلمان زندانی خصوصاً آقای محمد حبیبی معلم زندانی شدند. همچنین دو شعر توسط یکی از برگزار کنندگان سمینار خوانده که به تمام کسانی که علیه خشونت مبارزه می کنند تقدیم شد.

شعر اول:

نخستین بار زمانی ایستادم که 11 ماهه بودم
به گفته ی مادرم
از آن روز به بعد
هیچ گاه به حرف گوش نکرده ام
در تمام دوران مدرسه
هیچ گاه به خاطر چیزی زیادی ایستادگی نکردم
اما تا جایی که می توانستم بایستم ایستادم
من ایستاده ام زمانی که عشق صدایم کرد
من ایستادم
حتی زمانی که مبارزه سراسر بیهوده بود
امید مرا روی پا ایستانید
و در زیر شر شر باران برجا گذاشت
اما من ایستاده و باز هم خواهم ایستاد

شعر دوم:

رد انگستانت را روی صورتم جا گذاشتی
سکوت کردم
پاهایم را قلم کردی
سکوت کردم
خماری هایت را ندیدم
عربده هایت را نشنیده گرفتم
اما اینبار،
دهانم را هم ببندی
دیگر لال نمی شوم
با چشم هایم
فریاد خواهم زد

به خشونت علیه زنان پایان دهید

“هفت هزار تپه”
اثر هنرمند افغان شکیب مصدق
تقدیم به کارگران هفت تپه



هنرمندان مردمی در بزنگاههای تاریخی، امیال، آرزوها و خشم و خروش زحمتکشان را به صدا و تصویر در میآورند و جامعه را متأثر میکنند. در هفت تپه فقط نیشکر نمیروید بلکه نوعی از جنبش کارگری برای وحدت بخشیدن به مبارزات بحق کارگران و زحمتکشان سراسر ایران متولد میشود که همچون جرقه بر بشکه باروت مطالبات بحق که چهل سال است بی پاسخ انباشت شده شعله ور میشود. این شعله های گرما بخش، ظلمت حاکم را پشت سر میگذارند و نوید فردای روشنائی سر میدهند.

هنرمندی که از درون انبوه کودکان کار افغان با رنج و مشقت آشنا بود در همبستگی با مبارزات کارگران هفت تپه سروده اش را به تصویر کشیده، در اینجا ضمن بازگو کردن بیوگرافی کوتاهی از این هنرمند افغان، شکیب مصدق، توجهتان را به این موزیک ویدیوی با ارزش با نام هفت هزار تپه جلب میکنم.

<https://youtu.be/F-H8aSxcU1E>

بیوگرافی کوتاه از زبان شکیب مصدق:

کارگر بودم در طفولیت و خیابانهای ایران هنوز از سنگینی بار شانه های کوچک ام ترک دارند، کارگر بودم در نوجوانی و جوانی که جاده های خاکی شهرهای مختلف افغانستان هنوز گرد خسته گی هایم را بر چهره دارند، کارگر و خیابانهای سنگ کاری شده آلمان صدایم را در حاشیه هایم می بلعد تا منعکس نشود، کارگر چون سنگینی حجم فقر و گرسنه گی و بقای جهان بر دوش کارگران است و بس، کارگر چون یک چپ جهان و ظنم و هنوز به این فراخوان (کارگران جهان متحد شوید) متعهد و معتقدم و باور دارم روزی جهانیان دوباره برای نجات خود دست به دامن سرخ انترناسیونالیسم و کارگران خواهند شد و کارگران در ایران زیر فشار فقر، تبعیض و دیکتاتوری دست به اعتصاب زدند، این آهنگ را در همبستگی با کارگران اعتصابی ایران و کارگران مهاجر در ایران آماده کردم به ارزوی همبستگی و پیروزی کارگران جهان.

تحریمها و تاثیر مخرب آن بر معیشت
اکثریت مردم ایران

مینو همتی

تحریم اقتصادی بمثابة یک حربه جنگی، جامعه هشتاد میلیونی ایران را در معرض فروپاشی اقتصادی قرار داده است. میلیونها انسان، از کودک و جوان و سالمند گرفتار فلاکتی بی سابقه گردیده اند، که خود در بوجود آوردن آن هیچ نقشی نداشته اند. حاکمیت اسلامی که توسط قشری چپاولگر و سنگ دل این فلاکت را به مردم تحت حاکمیتش تحمیل کرده است متهم درجه یک این تراژدی انسانی است. برای این حضرات جنگ و خون ریزی نعمتی الهی تلقی شده و مایه حیات نظام سراپا فاسد و استثمارگر طبقه ای رویه افول است. جنگ افروزی و دشمن تراشی هنر نیست، اجتناب از آن هنریست که این آقایان فاقد آنند.

حاکمان اسلامی با اتکا به نیروی سرکوب و تحمیل وانمود میکنند که با شروع دور دوم تحریمها اتفاقی نخواهد افتاد و همه چیز عالیست. نظام حاکم با اقتصادی فاسد و در حال موت به هذیان گوئی پرداخته و در وصف قدرت اقتصادی نظام اسلامی پرت و پلا میگوید. کارزار حمایتی اروپا را شفا بخش وضع موجود مینامد و این در حالیست که اقدامات اروپا صرفا سرم تزییقی برای عقب انداختن مرگ حتمی اقتصاد سرطانی زده حکومت اسلامی دزدان و قاچاقچیان اسلحه و مواد مخدر و تروریسم است. رد لایحه جلوگیری از پولشویی توسط شورای نگهبان جهل و چپاول، گواهی دیگر بر این واقعیت است.

آنچه توده های میلیونی مردم در زندگی روزمره خود تجربه میکنند همانا تورم لجام گسیخته روزانه توام با بیکاری و سفره های خالی که هرگز با وعده های دروغین حکام اسلامی پر نخواهد شد. مردم ایران به هیچکدام از ماجراجوییهای منطقه ای رژیم ایران رای ندادند لیکن عواقب تلخ آنرا تجربه میکنند. خود آقایان و آقایان هایشان آنقدر ثروتهای این مردم را چاپیده اند که سفره هایشان تا نسلهای بعدیشان رنگین خواهد بود. از قدیم گفته اند، سواره از پیاده و سیر از گرسنه خیر ندارد. ما باید بفکر خودمان باشیم و فکری اساسی برای سفره خالی فرزندانم کنیم.

وقت آن رسیده است که جنبشهای اجتماعی زنان، کارگران، معلمان و دانش آموزان، دانشجویان و استادان، پزشکان و پرستاران، کارمندان و رده های پائینی نیروهای مسلح به همراه دیگر اقشار محروم جامعه با صفی متحد بمیدان آیند و به این تراژدی چهل ساله پایان دهند و به جهانیان ثابت کنند که مردم ایران خواهان صلح و همزیستی در نظامی آزادیخواه و برابری طلب هستند./

گفتگو سحر صامت با وحیده فیضی. خبرنگار و فعال حقوق زنان ادامه صفحه ی 3

سحر صامت: از دیدگاه شما حکومت افغانستان چقدر در زمینه مبارزه با خشونت تلاش و سرمایه گذاری کرده است؟

وحیده فیضی: اگر در جمع نظر بندها می حکومت در حد نوشتن قانون تلاش کرده اما در عمل چنین کاری بزرگی در این قسمت انجام نداده است. مثلاً عاملان خشونت در برابر زنان هرگز به سزا نرسیده اند و دادگاه علنی برایشان نیز تشکیل نشده اند تا دیگران از آن عبرت بگیرند و دست از خشونت علیه زنان بردارند. مورد دیگر فساد اخلاقی در امکان و مراجع دولتی است به طور مثال اگر یک زن یا دختر مورد لت و کوب (ضرب و شتم) قرار بگیرد ترجیح میدهد سکوت کند تا اینکه برای درج شکایت به مراکز امنیتی برود زیرا ترس تجاوز از سوی پلیس مانع برداشتن گام به سوی مرجع امنیتی می شود و یا ترس از فروخته شدن یا مورد تجاوز قرار گرفتن در خانه های امن بسیاری از زنان را و میدارد تا خشونت های خانگی را ترجیح داده و بر خود روا دارند. من معتقدم اگر سطح آگاهی در زنان بالا برود نسل بعدی هیچگاه اجازه نمیدهد حکومت در برابر چنین پدیده یی مانند امروز اینچنین سکوت کند.

سحر صامت: دیدگاه شما به نگرش های سنتی جامعه و انکار عقب ماندگی فرهنگی چیست؟

وحیده فیضی: نمی توانیم از حقیقت که جامعه افغانی یک جامعه سنتی هست انکار کنیم، باورهایی که تعصبات فرهنگی در اذهان مردم موجب زنده نگهداشتن سنن نادرست و پیروی از آنها در عصر تکنولوژی می شود. با اینکه در

طول این سالها شاهد پیشرفت های فرهنگی بودیم و وضعیت نسبت به گذشته رو به بهبود است و این تلاش زنان در جامعه بوده که ما امروز شاهد تغییرات فراوانی هستیم. زنانی که از خشونت های فیزیکی گرفته تا خشونت های کلامی رفتاری و روحی روانی را متقبل شدند تا سنن خرافاتی ضد زن را محو کنند و اصلاحاتی در جامعه برای نسل های بعدی بیاورند. همیشه بازسازی یک فرهنگ به مبارزه و زمان نیازمند است. از سوی دیگر خود زنان نیز در کنار مبارزاتشان خود در حال تمرین دموکراسی و برابری جنسیتی هستند زیرا پدیده ی

به معنای نتیجه تلاش زنان برای بدست آوردن حقوق اجتماعی شان است.

در کمیته ی مصونیت خبرنگاران در بخش بانوان یک گروه تحت عنوان گروه دادخواهی بانوان خبرنگار ایجاد شده است و این گروه با تمام مسوولان رسانه یی و خبرنگاران زن نشست هایی دارد، هدف از این دیدارها تطبیق و آگاهی دهی از پالیسی منع آزار و اذیت جنسی در برابر خبرنگاران زن است. کمیته در سال روان پالیسی را تحت عنوان آزار و اذیت جنسی ساخت و هدف آن کاهش و یا محو آزار و اذیت زنان خبرنگار در محیط کاری و اجتماعی می باشد. در این قسمت کمیته برای زنان قربانی خشونت ها دادخواهی کرده و قصد دارد این پالیسی جزئی از قرارداد کارمندان رسانه یی شود. در بخش دیگر کمیته به زنان خبرنگار آموزش های لازم را برای مصونیت به آنها ارایه می کند تا چگونه بتوانند جان خود را در مناطق پر خطر حفظ کنند. همچنان آموزش دفاع در مقابل آزارها و اذیت های جنسی را فرا میگیرند. ما همچنان روی بخش آسیب های روحی و روانی خبرنگاران نیز کار می کنیم.

سحر صامت: شما عدم سازمان یافتگی زنان افغانستان به خصوص زنان آگاه مواجه با خشونت را در چه می بینید؟

وحیده فیضی: بنظر من زنان زیادی هستند که دادخواهی های را شروع کردند و فعالیت های را به پیش میبرند ولی همه این گروه ها بطور منسجم کار نمی کنند. دلیلش عدم پذیرش دیدگاه های یکدیگر و به تفاهم رسیدنشان بر سر نحوه ی درخواست مطالباتشان است. قسمی که پیشتر اشاره نمودم زنان فعال نیز نیاز به تمرین

هایی دارند اکثراً مسایل را به گونه ی تئوری آموخته اند و این کفایت نیست ما نیاز میرمی به پراکتیک در این زمینه داریم. هر زمان که میزان آموخته های تئوری و تمرین آن یکسان شود زنان به گونه ی بهتری اهداف خود را با یکدیگر سازماندهی می کنند و مبارزه برای محو خشونت علیه زنان در جامعه با نتیجه های مطلوب تری روبرو می شود.

تعصب از نسل های قبل به ما میراث رسیده و مجادله با آن در قدم اول برای خود زنان در درونشان و به باور رسیدن برابری جنسیتی با مجادله ها در درون خودشان آغاز می شود به زمان نیازمند است ناگفته نماند که پذیرفتن چنین افکاری ارتباط زیادی با سطح تحصیلات ندارد زیرا هستند زنانی که تحصیلات عالی دارند اما منطقتشان آنها را برای پذیرفتن جنس دوم و ضعیفه تشویق می کند و خودشان یکی از ناقضان حقوق انسانی خود و دیگر زنان اند پس نتیجه میگیریم که ایجاد برابری جنسیتی در یک جامعه به مبارزات شدید و زمان نیاز دارد. اما در یک کلام باز هم میگویم زنان در جامعه و بخصوص در بخش خبرنگاری شهادت بزرگی می خواهد.

سحر صامت: مبارزات زنان افغانستان در چه سطحی جریان دارد و آیا این تلاش ها ثمره های در جامعه به همراه داشته است؟

وحیده فیضی: نسبت به گذشته این مبارزات و دادخواهی های زنان بیشتر و پررنگ تر



شده است و زنان متحد تر از گذشته کنار هم هستند و این حرکات و فعالیت های زنان بدون شک در جامعه بی اثر نخواهد بود. روزی که رژیم ضد زن طالبان سقوط کرد زنان هیچ جایگاهی در هیچ عرصه ی سیاسی اقتصادی اجتماعی و غیره نداشتند و افکار نادرست اکثر مردان را تشویق به آزار و اذیت در مقابل جنس مخالفشان می کرد و تمام کوشش شان این بود که زنان طعم آزادی و استقلال را نچشند اما تلاش و کوشش خود ما زنان بود که امروز کمیته یی تحت عنوان کمیته ی مصونیت خبرنگاران ایجاد شده که بخش زنان را من مدیریت می کند این خود

گفتگو دانشجویان برابری دانشگاه استانبول ترکیه با شراره رضائی ادامه صفحه ی 4 خواستار پشتیبانی و اتحاد تمامی مردم از این اعتصابات شدند.

من فکر می کنم مسأله زنان از مسأله ی کارگری جدا نیست. رهایی زن، رهایی طبقه ی کارگر است. مثلاً پرداخت بیمه بیکاری و حقوق و دستمزد به زنان خانه دار، افزایش دستمزدها نه تنها به زنان بلکه به خانواده های کارگر و بهبود معیشت کل زندگی کارگر و استخدام فرزندان آنها مستقل از جنسیت و ملیت، به نفع همه ی مردم و طبقه ی کارگری ست.

حضور قوی و گسترده زنان کارگر در مبارزات کارگری میتونه نه فقط این اعتراضات را تقویت کند که میتواند مهر رادیکال کارگری و سوسیالیستی خودش را بر جنبش برای برابری و رهایی زن بزند. /

می شود و در بالای سکویی سخنرانی کرد و از مطالباتشان حرف زد و خواهان ادامه ی اعتصابات تا دست یافتن به همه ی خواسته ها و مطالبات و همینطور آزادی همکاران دستگیر شده اش شد.

معلم ها که بخش اعظم شان زنان هستند در اعتصابات اخیر معلمان، نقش قوی و برجسته ای داشتند و در شعار هاشون خواهان آزادی همکاران معلم شان شدند و همینطور خواهان آموزش رایگان برای تمامی کودکان بودند. نمونه های دیگر در اعتصابات اخیر کامیون دارها علیه فقر و گرانی، دیدیم که زنان راننده هم در این اعتصابات اعلام همبستگی کردند و خطاب به جامعه،

8 مارس سال گذشته هم در گرماگرم خیزش دیماه و "دختران خیابان انقلاب" رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و تفاوت های عمیقی با سال های گذشته داشت و تاثیر عمیقی در توازن قوا بجا گذاشت. مثلاً در شهر رشت خانم زهره اسدپور، در رابطه با زنان کارگر، موانع پیشروی کارگران زن، عدم تجربه زنان به تشکل یابی و به مشاغل غیررسمی زنان اشاره کرد.

مراسم های دیگر در تهران از سوی تشکلی بنام "ندای زنان" برگزار شد که در بیانیه ای بسیار رادیکال علیه حجاب اجباری سخنرانی شد و همینطو خواهان مبارزه برای برگرداندن هویت انسانی به زنان و علیه تبعض در تمامی عرصه ها و حقوق برابر در ازای کار برابریه میان آمدند.

سطح مطالبات جنبش زنان آزادی خواه و برابری طلب در 8 مارس امسال، به نظرم بسیار بسیار رادیکال، پیشرو و متفاوت تر از سال های گذشته بود. اینها شواهد قوی شدن گرایش سوسیالیستی و رادیکال و تضعیف و حاشیه ای شدن گرایشات مینی مالیستی و رفرمیستی در مبارزات زنان برای برابری و رهایی هست.

آیا در کارخانه ها زنان نیز مانند مردان به اعتصاب می پیوندند؟

در پاسخ به این سوال اولاً باید واقع بینانه تر به زنان کارگر نگاه کرد. باید دید، آیا زنان به اندازه مردان در کارخانه ها وارد مشاغل کاری شدند؟. در واقع می خواهم از این سر نگاه کنیم که مثلاً فرض کنید در کارخانه ها ی هفت تپه یا پلاسکو که بیشترین اعتراضات کارگری را داشته. چند درصد از کارگران زن در این کارخانه ها مشغول به کارند؟ باید توجه داشت که موقعیت شغلی که زنان کارگر در آن قرار دارند از موقعیت مردان کارگر متفاوت است. زنان بیشتر در کارگاه های کوچک خیاطی یا قالی بافی و از این قبیل کارها به کار گرفته می شوند. این رو به فرهنگ مردسالارانه که توسط جمهوری اسلامی مدام تولید و تقویت میشود اضافه کنید. مولفه هایی هستند که مانع حضور وسیع و قابل مشاهده زنان در اعتراضات کارگری می شود.

با این وجود زنان کارگر در کارخانه های بزرگ حتماً در اعتصابات شرکت می کنند. برای مثال تابستان همین سال در اعتراضات کارگران هفت تپه، زن کارگری بعنوان چهره رهبری در اعتصابات ظاهر

علل و انگیزه های خشونت علیه زنان در ایران.... ادامه ی صفحه ی 9

هر 11 ثانیه یک زن مورد آزار قرار می گیرد

مطابق آمار سازمان جهانی بهداشت درباره خشونت علیه زنان باید گفت: در دنیا هر 11 ثانیه یک زن مورد آزار قرار می گیرد و حتی بارداری نیز برای آنها مصونیت ندارد. در آمریکا 33 تا 35 درصد زنان مورد خشونت قرار می گیرند.

خشونت امری پنهان است که حتی دولت مردان اجازه اشاعه آن را نمی دهند. وقتی زن با خشونت جنسی و تجاوز به ویژه در کشورهای آسیایی و جهان سوم مواجه می شود سکوت اختیار کرده و منزوی می شود، حتی در مواردی فرد تجاوز کننده با او ازدواج می کند که خشونت ناشی از تجاوز در زندگی پس از ازدواج شان تاثیر بسیار زیادی دارد.

مشکلی که در ایران وجود دارد آن است که بسیاری از خانم ها نسبت به مصداق های خشونت آگاهی ندارند و تنها آزار جسمی را و یا کتک زدن را خشونت می دانند در حالی که در حال حاضر عمده خشونت های زنان روانی و جنسی است. حتی والدین و معلم ها، برخی خشونت ها را نسبت به کودکان خود برای تربیت و یادگیری مشروع می دانند که این برخلاف قوانین بین المللی است.

مسئولیت ها و راهکارها

باید به زن فرصت حرف زدن داده شود چرا که اکثر افرادی که مورد خشونت قرار می گیرند علاقمند به صحبت کردن با کسی بوده و دلشان می خواهد حس همدلی ایجاد شود بنابراین روانشناسان و افراد متخصص در زمینه آسیب های اجتماعی و مددکاران باید به صورت کامل به زنان مراجعه کننده گوش فرا دهد. شکایت زن را نادیده نگیرد، احساس گناه را از روی دوش زن بردارد و با برخی کلمات با او همدلی کند. موضوع خشونت باید علنی و افشا شود چرا که اگر این موضوع از سوی زن بیان نشود اعتماد به نفس زن ضعیف شده و هر روز تحقیر و تحقیرتر می شود اما اگر خشونت های روا شده به خود را اعلام و مراحل درمانش طی شود می تواند قوی تر از زندگی گذشته اش به جامعه باز گردد.

وقتی آمار خشونت در ایران بالاست به این معنی است که رفتارهای خشونت آمیز در حال تبدیل شدن به یک رفتار طبیعی است. بنابراین باید به هر نحو جلوی آن گرفته شود. زنان اگر خشونت فیزیکی نبینند خود را قربانی خشونت نمی دانند پس لازم است در گام نخست آگاهی زنان را بالا برده و آنها را به حقوق خود آشنا کنیم. البته برخی از زنان ممکن است تنها یک بار خشونت را در زندگی شان تجربه کنند که این نباید عمومیت پیدا کند. این باور فرهنگی که مرد باید به زن تسلط داشته باشد از دیگر عوامل افزایش خشونت علیه زنان است.

برخی معتقدند از نظر شرعی زن نباید بدون اجازه همسر خانه را ترک کند اما براساس ماده 1115 قانون مدنی زن اگر از نظر جسمی، روحی و مادی در معرض خطر قرار گیرد می تواند خانه خود را ترک کند. /

با سپاس از ارسال مطلب برای درج در ماهنامه رهائی زن توجه شما را به نکات زیر جلب مینمایم

سیاست ماهنامه رهائی زن در قبال مقالات و مطالب دریافتی به قرار زیر است:

1. صرفا مطالب و مقالاتی برای درج در نشریه بررسی میشوند که بنحوی به مسئله بیحقوقی و مبارزات زنان و کودکان مرتبط باشد.
 2. فقط مقالات آرژینال برای انتشار پذیرفته میشوند و نویسنده متعهد میشود تا پس از انتشار نشریه، مطلب مورد نظر را در سایت ها و یا نشریه های دیگری به چاپ نرساند.
 3. انعکاس مطالب و مقالات در سایتها یا نشریات دیگر صرفا با ذکر ماخذ . نویسنده مقالات نیز شامل این تعهد می شود.
 4. از آنجا که نشریه رهائی زن مستقل و در راستای آزادی و رهایی و برابری است و برای آزادی و رهایی هر انسانی تلاش می کند. چاپ مقالاتی که تبلیغ مذهب، ملیت ، قومیت را می کند . در نشریه منتشر نخواهد شد.
 5. مقالات دریافتی نباید از یک صفحه A4 با فونت 12 کمتر باشند و نباید بیشتر از 3 صفحه باشد.
 6. مطالب و نوشتارها تنها در فرمات مایکروسافت وورد Word پذیرفته میشوند.
 7. نشریه رهائی زن بنا به تشخیص خویش مقالات و مطالب منتشره دیگر رسانه ها را با ذکر ماخذ منتشر خواهد کرد.
 8. به دلایل محدودیت صفحات نشریه، مطالب ارسالی بنا به تشخیص اولویت بندی خواهد شد و در مطالبی رسیده باقی مانده در نشریه شماره های بعدی چاپ خواهد شد.
- با سپاس از مشارکت شما در غنی بخشیدن به ماهنامه رهائی زن

مدیر مسئول نشریه

سردبیر

شراره رضائی

مینو همتی

کارگر زندانے آزاد باید گردد



گام
نشریہ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیدہ قلیان
را فوراً آزاد کنید

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می

توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.de/>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.de/>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv/>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

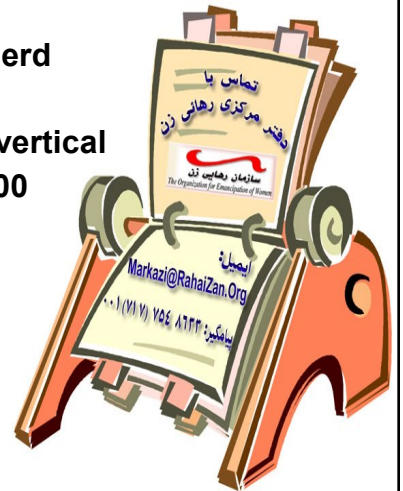
تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "تت برد" هر هفته

دو شنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به

وقت تهران می توانید پهنده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd
HoT BIRD
Frequency 11541 vertical
Symbol Rate: 22000
Pol V
FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 004915226282583

ایمیل: Shararehzaei.p@googlemail.com